

بررسی مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی زنان پس از طلاق

سمانه محمدپور^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴

چکیده

توجه به مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی زنان پس از طلاق به دلیل آسیب گسترده برای فرد و جامعه بسیار مهم است. پژوهش حاضر با هدف بررسی مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی زنان پس از طلاق انجام شد. این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی بود که طی آن ۳۰۰ نفر از زنان مطلقه شهرستان خرم‌آباد از تیر تا شهریورماه سال ۱۳۹۴ به روش در دسترس انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه جمعیت‌شناسی و پرسشنامه مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی زنان پس از طلاق بود. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی مانند درصد و درصد فراوانی و آمار استنباطی مانند آزمون کای‌اسکوار با نرم‌افزار spss ۲۰ استفاده شد. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر به ترتیب ۸/۵۶ ± ۲۹/۳۰ بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که در مجموع، بین نظرات پاسخگویان بر حسب طیف پاسخگویی کاملاً مخالف تا کاملاً موافق در مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی زنان پس از طلاق تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/001$). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی زنان پس از طلاق از شدت متفاوتی برخوردار است. بر اساس نتایج چنین پژوهش‌هایی، می‌توان پیشنهاد داد که به‌منظور بهبود وضعیت زندگی زنان مطلقه، چنین مسائلی طی کارآزمایی‌های بالینی باهدف طراحی مدل‌های مداخله مناسب یا اصلاح مداخله‌های موجود مورد توجه قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، روانی، زنان مطلقه

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز

مقدمه

خانواده، کوچک‌ترین و درعین‌حال جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است که بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بسیار تأثیرگذار بوده (بالکن^۱، ۲۰۱۵، ص ۶۵۶) و هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند. از این‌رو، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد مهم و کارکردهای آن از امور مهم و شایسته بررسی است (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۳). هنگامی که از خانواده سخن به میان می‌آید، قالبی متشکل از یک زن و شوهر، همراه با یک یا چند فرزند در ذهن مجسم می‌شود، اما بعضی خانواده‌ها از این اصل مستثنا هستند و مادر نقش دو نفر را بر عهده می‌گیرد و نه تنها وظیفه تربیت فرزندان را بر عهده دارد، بلکه نان‌آور خانه نیز محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، زنان به‌عنوان سرپرست خانواده در معرض دو گروه عمده از فشارهای روانی قرار می‌گیرند که دسته اول شامل فشارهایی مربوط به هویت زیست‌شناختی زن و دسته دوم مرتبط با مسئولیت‌های زندگی است و به این ترتیب، عملکرد فرد و خانواده تا حد زیادی به‌صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در این بین، به‌طورکلی زنان آسیب‌پذیری بیشتری دارند (صدرالاشرفی، خنکدار، شمخانی و یوسفی، ۱۳۹۱، ص ۲۹).

بیان مسأله: خانواده یک سیستم اجتماعی و الگوی رفتاری از افرادی است که از نظر احساسی و هیجانی به یکدیگر وابسته هستند و دارای گذشته مشترک توأم با تلاش برای برآورده ساختن نیازهای اعضای خانواده است (بالکن و کایا^۲، ۲۰۱۶، ص ۳۴۴). باوجود اینکه ازدواج به‌عنوان پیش‌شرط تشکیل خانواده، زمینه را برای پیوند و اتصال نسل‌های متوالی فراهم آورده و موجب تثبیت و انتقال فرهنگ جامعه از نسل گذشته به نسل جدید می‌شود، باین‌حال همواره خانواده‌ها قادر نیستند تا کنش‌های متقابل اجتماعی، اعضایشان را به‌صورت پیوسته به سمت هدفی خاص هدایت کرده و انسجام گروهی خود را حفظ کنند. در این صورت، اختلافات خانوادگی می‌تواند به گسست پیوند اجتماعی ازدواج و وقوع طلاق منجر شده و زمینه گسست نسل‌ها را فراهم آورد (ریاحی، علیوردی نیا و بهرامی کاکاوند، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰؛ بالکن، ۲۰۱۵، ص ۶۵۶).

آمار طلاق در ایران به‌طور روزافزونی در حال گسترش است. مطابق پژوهش‌های انجام‌شده و آمار رسمی، ایران چهارمین کشوری است که نسبت طلاق به ازدواج در آن بالا است. به‌طوری‌که از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ از هر هزار ازدواج، ۹۲ فقره طلاق به ثبت رسیده است و در سال ۱۳۸۸ آمار طلاق به یک مورد

1. Bolkan
2. Kaya

از هر سه ازدواج رسیده است (صدرالاشرفی، خنکدار طارسی، شمخانی و یوسفی، ۱۳۹۱، ص ۲۸). طلاق رویدادی پیچیده و استرس‌زا مبنی بر خاتمه قانونی به زندگی با شریک طولانی است که می‌تواند اثرات جدی بر سلامت جسمانی و روان‌شناختی بر جای گذاشته و جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد؛ به عبارت دیگر، علی‌رغم اینکه طلاق یک پدیده رایج است. اما یک اتفاق عظیم در زندگی محسوب می‌شود که عواقب وخیم آن پیامدهای منفی اجتماعی- فرهنگی، روان‌شناختی و جسمانی را در برمی‌گیرد (کریتش، ۲۰۱۲، ص ۱۰). در ادامه، مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی زنان پس از طلاق به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در حیطه اجتماعی عواقب و پیامدهای طلاق را به اجمال می‌توان شامل نگرش منفی نسبت به زنان مطلقه در جامعه، انزوای اجتماعی، کوچک‌تر شدن شبکه روابط بین فردی و آسیب دیدن حیطه‌های مختلف روابط به دلیل احساس عدم امنیت اجتماعی، احساس کنترل شدن توسط خانواده، گرایش به سمت مواد مخدر، فحشا به‌ویژه در نتیجه فقر و ناآگاهی، کاهش رفتارهای ارتقادهنده سلامت (محبی، ۱۳۹۱، ص ۹۷۶). و برای فرزندان آن‌ها بزهکاری، ناسازگاری و رفتارهای ضداجتماعی، اعتیاد و استفاده در توزیع مواد مخدر، فرار از منزل و ولگردی، افت تحصیلی، کاهش میل به ازدواج در دیگر افراد خانواده به‌ویژه بچه‌های طلاق، مسامحه والدین در تعلیم و تربیت فرزندان و در نتیجه، ایجاد آسیب‌های روانی و اجتماعی را برشمرد (مژگانی، ۱۳۹۰، ص ۱). به این ترتیب، اکثر زنان طلاق آینده خوبی را برای خود تصور نمی‌کنند و اطمینان خود را به ارکان زندگی از دست می‌دهند و به خاطر بی‌توجهی خود، خانواده و در مقیاس بالاتر اجتماع به‌نوعی بی‌اعتنائی و بی‌توجهی کشیده می‌شوند (اخوان تفتی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱؛ منصورآزاده و تافته، ۱۳۹۴، ص ۳۷).

طلاق از حیث فرهنگی نیز اثرات مختلفی بر زنان دارد. در جوامع متعدد، طلاق برای زنان نوعی آسیب‌پذیری بوده است که منجر به بی‌ارزشی آن‌ها می‌شد (کانستام و همکاران^۱، ۲۰۱۶، ص ۱۷۳). در ایران به دلیل مسائل متعدد فرهنگی، دیدگاه‌های منفی افراد جامعه، گاه مواجهه با مزاحمت‌ها، در نتیجه محدود شدن فعالیت‌ها و روابط اجتماعی فرد و غیره ممکن است زمینه ایجاد عواطف منفی مانند احساس جدا شدن، تنهایی و منزوی شدن ایجاد شود که همین موضوع، احتمال سوءتعبیرها، حالات هیجانی منفی و حتی خودکشی را افزایش می‌دهد. همچنین، در این حالت بدبینی فرد نسبت به جنس مخالف و تعمیم

1. Krietsch

2. Konstam et al

آن به همه افراد جامعه شکل می‌گیرد (قلی‌پور و رحیمیان، ۱۳۹۰، ص ۳۵؛ اعظم‌آزاده و تافته، ۱۳۹۴، ص ۳۸؛ صدراالشرافی، خنکدار طارسی، شمخانی و یوسفی، ۱۳۹۱، ص ۲۹). عوامل دیگری نیز ممکن است منجر به تشدید عواطف منفی در زنان مطلقه شوند. از جمله مهم‌ترین این عوامل، دیدگاه و بازخوردهای افراد جامعه نسبت به این افراد است که به صورت احساس ترحم یا به صورت برچسب‌های منفی گوناگون تظاهر پیدا می‌کنند. به‌عنوان مثال، به دنبال برچسب‌های گوناگونی که در جامعه به زنان طلاق نسبت داده می‌شود، فرد احساس کمبود روزافزون کرده و تنهایی او شدت بیشتری می‌یابد یا از سوی دیگر، دلسوزی بیش‌ازحد اطرافیان و جامعه نیز به همان مقدار مضر است و زمینه ایجاد مشکلات روحی متعدد و بی‌اعتمادی و یا تشدید آن‌ها را فراهم می‌سازد (ساروخانی، ۱۳۷۶؛ به نقل از علیمیرادی، ۱۳۹۳، ص ۳۲). بنابراین، در درجه اول تلاش برای شناسایی مسائل اجتماعی - فرهنگی که این قشر با آن درگیر هستند و سپس، انجام اقداماتی برای بهبود این شرایط، آن‌ها از دیگر ضرورت‌ها و اهداف پژوهش حاضر است. یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلات زنان پس از طلاق، مشکلات اقتصادی و مالی است. در واقع، بار اقتصادی بسیار بالای طلاق هم متوجه زوجین و خانواده‌های آن‌هاست و هم اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد (زارع و مهمان‌نوازی، ۱۳۹۴، ص ۳۹؛ مکوندحسینی، ۱۳۹۲، ص ۹). به‌طوری‌که با شیوع روزافزون آسیب‌های متعدد ناشی از فروپاشی خانواده‌ها و ایجاد بار مسئولیت اجتماعی زیاد برای افراد و خانواده‌های درگیر در طلاق و سایر افراد جامعه و همچنین، صرف منابع مالی بسیار برای اصلاح، کاهش یا پیشگیری از آسیب‌های طلاق، این پدیده از نظر اقتصادی نیز مشکلات زیادی را ایجاد کرده است (کلانتری، روشن‌فکر و جواهری، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴؛ صدراالشرافی، خنکدارطارسی، شمخانی و یوسفی، ۱۳۹۱، ص ۲۷)، در بسیاری از موارد، زن در مقابل طلاق از سوی شوهر، تمام حق و حقوق قانونی خود را می‌بخشد که یکی از آن‌ها مهریه است. علاوه بر این، به دلیل اینکه بیشتر زنان در خارج از خانه به شغلی مشغول نیستند و حتی در صورت داشتن مدرک تحصیلی عالی، بسیاری از آن‌ها پس از ازدواج بنا به هر دلیلی دست از کار کشیده‌اند و پس از طلاق نیز برای یافتن شغلی مناسب و تأمین خود دچار مشکلات بسیاری می‌شوند و تنها ۱۶ درصد از زنان مطلقه شاغل هستند. در این بین، طبیعی است که تحت چنین شرایطی، زنان مطلقه دیگر در خانه پدری جایگاه خوبی نداشته و مجبور هستند برای تأمین هزینه‌های زندگی خود و فرزندانشان از هر راهی کسب درآمد کنند که متأسفانه عده‌ای از زنان مطلقه که تعدادشان نیز کم نیست به باندهای فساد گرایش پیدا می‌کنند.

طلاق از نظر روان‌شناختی نیز آثار قابل توجهی بر زنان نسبت به مردان دارد. به‌طور کلی، فعال شدن

مزمّن نظام‌های مربوط به استرس در افراد درگیر طلاق، ممکن است باعث نقص عملکرد سیستم ایمنی بدن، آسیب‌پذیری نسبت به بیماری‌ها، عفونت‌ها و حتی عوارض جانبی و اختلال در حافظه و مغز شود (آقا محمدیان شعرباف و جمعه اسدآباد، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵؛ باک^۱، ۲۰۱۶، ص ۴۳). این در حالی است که زنان در رتبه‌بندی رویدادهای استرس‌زای منفی نسبت به مردان کنترل‌ناپذیرتر و آسیب‌پذیرتر هستند؛ بنابراین، با احتمال بیشتری در معرض آثار روان‌شناختی منفی طلاق قرار می‌گیرند. در پژوهش‌های متعددی نشان داده‌شده است که طلاق برای زنان افسردگی و اضطراب، رفتارهای پرخاشگرانه، احساس شکست در زندگی به شکل دل‌تنگی و کناره‌گیری اجتماعی، احساس تنهایی ذهنی، ایجاد تفکرات نامطلوب و پارانوئید نسبت به خود، دیگران و به‌ویژه جنس مخالف، سطوح پایین سلامت روان و بهزیستی روان‌شناختی شامل احساس ناامیدی، افزایش نگرانی، دل‌شوره و استرس، افت عزت‌نفس و احساس شایستگی پایین، احساس ناتوانی در تحمل مشکلات کار و افزایش مشکلات اقتصادی، تفکرات منفی نسبت به خود، دنیای اطراف و آینده، افزایش خطر خودکشی، مرگ‌ومیر و مشکلات متعدد مربوط به سلامت جسمانی و بروز سایر اختلالات روان‌شناختی متعدد را به دنبال دارد (بالکن، ۲۰۱۵، ص ۶۵۶؛ آماتور^۲، ۲۰۱۰، ص ۶۵۳؛ اعظم آزاده و تافته، ۱۳۹۴، ص ۳۵؛ علیمردی، ۱۳۹۳، ص ۹؛ کوچکی، حجتی و ثناگو، ۱۳۹۱، ص ۶۲؛ آقا محمدیان شعرباف و جمعه اسدآباد، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵).

به‌طور کلی، به دلیل مواجهه با مشکلات متعددی که زنان مطلقه دارند، اکثر آن‌ها دچار پیامدهای منفی پس از طلاق در حیطه‌های مختلف اجتماعی- فرهنگی (محدودیت‌های روابط اجتماعی، افت جنبه‌های مختلف عملکرد شغلی، تحصیلی، دیدگاه‌های منفی موجود نسبت به فرد و غیره)، روان‌شناختی (ابتلا به مشکلات متعدد روانی، عاطفی، روان‌تنی^۳ و غیره) و اقتصادی (مانند وجود مشکل در تأمین مخارج زندگی و غیره) می‌شوند. این در حالی است که در بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، پژوهشی یافت نشد که به‌طور جامع به بررسی مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی زنان پس از طلاق پرداخته باشد. لذا، به‌منظور رفع این خلأهای پژوهشی در ایران و نیز شناسایی عمده‌ترین مسائل پیش روی این افراد، چنین مطالعه‌ای ضرورت می‌یابد. بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد هدف پژوهش حاضر بررسی مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی زنان پس از طلاق است.

1. Bac
2. Amato
3. Psychosomatic disorder

سؤال‌های پژوهش

- از دیدگاه زنان مطلقه، مسائل اجتماعی- فرهنگی عمده پس از طلاق کدام هستند؟

- از دیدگاه زنان مطلقه، مسائل اقتصادی عمده پس از طلاق کدام هستند؟

- از دیدگاه زنان مطلقه، مسائل روان‌شناختی عمده پس از طلاق کدام هستند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق: از آنجا که طلاق پدیده‌ای است که جنبه‌های مختلف زندگی فرد و اطرافیان وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌ویژه بر تعادل روانی دو انسان طلاق گرفته، فرزندان، بستگان و دوستان آن‌ها نیز اثر می‌گذارد، پس ضرورت دارد که برای جلوگیری از هم‌پاشیدگی تعادل افراد درگیر طلاق به‌خصوص زنان مطلقه، بررسی‌های پژوهشی مناسب و به دنبال آن اقدامات و مداخلات پیشگیرانه صورت پذیرد. با استفاده از نتایج این پژوهش، می‌توان از یک‌سو با شناسایی متغیرهای آسیب‌زای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و شخصیتی و روان‌شناختی افراد درگیر در طلاق به‌پیشگیری، کنترل و کاهش این متغیرهای آسیب‌زا اقدام کرد و از سوی دیگر، می‌توان برای متقاضیان برنامه‌های آموزشی و درمانی و مداخلات روان‌شناختی مناسب را گنجانند و همچنین، راهکارهایی برای افزایش کیفیت خدمات مراکز ارائه‌دهنده خدمات درمانی و مشاوره‌ای به این افراد را مطرح نظر قرارداد.

پیشینه تحقیق

اعظم آزاده و تافته (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «روایت زنان سرپرست خانوار از موانع شادمانی» نشان دادند که زنان سرپرست خانوار از جمله زنان طلاق جزء گروه‌های محروم جامعه محسوب می‌شوند که هم از حیث مادی و هم از جنبه‌های عاطفی و روانی در معرض مخاطرات متعددی قرار دارند.

حاجیان‌مقدم (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «فرا تحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی» نشان دادند که به ترتیب عوامل خانوادگی، فردی و اجتماعی، بیشترین عوامل مؤثر در طلاق هستند و همچنین، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نهاد خانواده شامل عوامل فرهنگی، تعاملات خانوادگی، سلامت جسمانی و روان‌شناختی، رشد فردی، شیوه اداره زندگی خانوادگی، امور اقتصادی و رفاه مادی، محیط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه، اختلاف سنی زوجین، مدت زناشویی، خدمات عمومی و ملاحظات بهداشتی جامعه است.

علیمرادی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «اثر بخشی گروه درمانی شناختی- رفتاری بر امیدواری و احساس تنهایی زنان مطلقه» به بررسی حالات روان‌شناختی متعدد مانند اضطراب، افسردگی، ناامیدی،

احساس تنهایی در زنان مطلقه پرداخته و نشان دادند که حالات روان‌شناختی اکثر زنان مطلقه پس از پشت سر گذاشتن طلاق بسیار نامناسب است و انجام مداخلات روان‌شناختی برای کاهش این اثرات مؤثر است.

صدرالاشرفی، خنکدار طارسی، شمخانی و یوسفی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل و راهکارهای پیشگیری از آن)» با روش توصیفی از نوع پیمایشی نشان دادند که تمام عوامل مؤثر بر طلاق از قبیل عوامل فردی و شخصیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به میزان زیادی بر مسئله طلاق تأثیرگذار می‌باشند.

رنجبر (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «طلاق، چالش‌ها و راهکارها» به بررسی نسبتاً کاملی از عوامل مرتبط با طلاق پرداخته و بیان می‌کند که عوامل متعددی از جمله علل فرهنگی، اجتماعی، تفاوت‌های تربیتی، ایمانی، اقتصادی، سیاسی و علل زیستی در پدیده طلاق دخالت دارند و با یک عامل به وجود نمی‌آید.

عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تحلیل اقتصادی طلاق» به بررسی ارتباط بین طلاق و بیکاری با اشاره به چهار رویکرد استرس روان‌شناختی، هزینه طلاق، شایستگی فردی و رویکرد تلفیقی در یک دوره ۴۰ ساله ۱۳۴۵-۱۳۸۵ برای ایران و با استفاده از تحلیل سری‌های زمانی پرداخته و نشان دادند که ارتباط طلاق و بیکاری در کوتاه مدت غیر معنادار و در بلندمدت معنادار است. ریاحی، علیوردنیا و بهرامی‌کاکاوند (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق» به بررسی عوامل مؤثر در گرایش زوجین به طلاق پرداخته و نشان دادند که میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، میزان تصورات مثبت از پیامدهای طلاق، دخالت دیگران در زندگی زوجین و متغیرهای تفاوت سنی، تحصیلی و تفاوت عقاید همسران بر میزان گرایش به طلاق تأثیر داشته است.

نتایج پژوهش شکرکن و همکاران (۱۳۸۵)، نشان داد که ۷۸ درصد زنان طلاق گرفته شهر اهواز، مهریه خود را در هنگام طلاق دریافت نکرده و ۴۱ درصد برای طلاق گرفتن مجبور به گذشتن از مهریه خود شده‌اند. همچنین، بیش از ۸۹ درصد از زنان طلاق گرفته هیچ نفقه‌ای دریافت نکرده‌اند.

اخوان‌تفتی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن» نشان دادند که تقریباً نیمی از افراد، تمام یا بخشی از مهریه خود را دریافت می‌کنند. بیشتر افراد دارای تحصیلات متوسطه با درآمد پایین هستند. بیشترین آمار طلاق در بازه سنی ۲۳ تا ۳۳ سال و بالاترین میزان طلاق در ۵

سال اول زندگی است. همچنین، آسیب‌پذیری زنان نسبت به پیامدهای اجتماعی بیشتر است. مشکلات اقتصادی بر زنان و مردان تأثیر مشابهی دارد. در هر دو جنس، از ازدواج مجدد بیزار هستند و هم زنان و هم مردان، احساس مشابهی از رها شدن پس از طلاق، خوش‌بین نسبت به آینده، عدم تمایل به مشورت با دوستان درباره جدائی‌شان و تفاهم نداشتن با همسر را تجربه کرده‌اند.

تمرینی، کاوچ و رزنیگ^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «اثرات طولانی‌مدت طلاق بر وضعیت درآمدی زنان مطلقه» نشان داد که زنانی که در دهه‌های اخیر طلاق را تجربه کرده‌اند، در طولانی‌مدت توانسته‌اند که از نظر اقتصادی وضعیت بهتری داشته باشند؛ به طوری که وضعیت اشتغال و سطح درآمد در آن‌ها بهبود بیشتری یافته بود.

کانستام و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «انگ و طلاق: چشم‌اندازی در حال ظهور و زنان جوان مطلقه» طی یک پژوهش کیفی در زنان مطلقه^{۲۳} تا ۳۲ ساله نشان دادند که ۵ گروه مرتبط با داغ ننگ و طلاق شامل الف) داغ ننگ شخصی^۲ در مقابل داغ ننگ عمومی؛ ب) احساس شکست^۳، شرمساری و تجربه سرزنش؛ ج) مذهب و داغ ننگ؛ د) پنهان‌کاری و اثر مدیریت؛ ه) ملاحظات متنی «وضعیت کنونی متفاوت بود اگر...» را معرفی کرد. با این وجود، تعداد قابل‌توجهی از شرکت‌کنندگان به روش نسبتاً ثابتی توأم با داغ ننگ به زندگی می‌نگرند.

باک (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «اثر انتظار شکست بر نتایج طلاق» نشان داد که طلاق می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم زیادی داشته باشد که باعث می‌شود فرد در زمینه‌های متعدد دچار مشکل شده و به عبارت دیگر، برای سازگاری مجدد با زندگی، هزینه‌های زیادی در حیطه‌های مختلفی از زندگی خود باید پرداخت کند که این موضوع در انتخاب همسر دوم برای زندگی مشترک نمود بیشتری دارد.

پژوهش‌های انجام‌گرفته پیشین در رابطه با طلاق و منابع موجود، هر یک صرفاً به بررسی یک جنبه از پژوهش حاضر پرداخته‌اند و هیچ‌کدام به صورت عام و کلی، جنبه‌های مختلف موضوع را مورد بررسی و تحقیق قرار نداده‌اند و بیشتر به عوامل قبل از طلاق یا آثار آن بر اعضای دیگر خانواده پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، طلاق دارای اثرات منفی متعددی است و هرگز یک جنبه و حیطه را نمی‌توان به عنوان نتیجه منفی طلاق در نظر گرفت. این در حالی است که اگر جنبه‌های مختلف پدیده‌ای مانند طلاق به درستی و روشنی مشخص نشود، در قدم بعدی نمی‌توان به پیشگیری یا کاهش جنبه‌های منفی آن

1. Tamborini, Couch, & Reznik

2. self-stigma

3. failure

پرداخت. به عنوان مثال، در صورتی که شخص پس از طلاق به لحاظ روحی یا جسمانی در وضعیت مطلوبی به سر نبرد، هرچه سریع تر خدمات مشاوره‌ای یا درمان وی انجام گیرد و از این طریق، آلام وی - به ویژه دردهای عاطفی و مشکلات روانی - التیام یابد، در قدم بعدی این فرد با انرژی و قدرت فکری بیشتر و بهتری می‌تواند به مقابله با سایر حیطه‌ها و مسائل زندگی خود بپردازد. در نتیجه، چنین فرآیندی اثرات سوء پس از طلاق کم‌کم رنگ‌باخته و از بین می‌رود؛ بنابراین بررسی و شناخت جنبه‌های مختلف طلاق، می‌تواند اطلاعاتی فراهم سازد تا بر اساس آن‌ها، راهکارهای مناسب جهت حل یا کاهش اثرات منفی طلاق ارائه شود.

مبانی نظری تحقیق

طلاق: طلاق فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی زوجین شروع می‌شود و با تلاش برای حل و فصل اختلافات از طریق جدایی قانونی از شریک زندگی و ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت پایان می‌یابد (عابدینی، بوالهری، رمضان زاده و نقی زاده، ۲۰۱۲، ص ۶۷).

مسائل اقتصادی طلاق: منظور از مسائل اقتصادی زنان پس از طلاق، به دشواری‌های زنان در تأمین مسکن، لباس، غذا، وسایل منزل و نیازهای اولیه اشاره دارد که می‌تواند در سطوح مختلفی شامل نبود منبع مالی، عدم توانایی اشتغال، عدم وجود شغل مناسب و غیره باشد (علیمیرادی، ۱۳۹۳، ص ۱۶).

مسائل اجتماعی- فرهنگی طلاق: مسائل اجتماعی- فرهنگی طلاق به مشکلات و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از طلاق مانند عدم امنیت، محدودیت روابط اجتماعی، فرار از منزل، سوءظن نسبت به دیگران، روابط نامطلوب، حصر و زندانی شدن، اعتیاد و ولگردی، برچسب‌ها و انگ‌های اجتماعی و دیدگاه‌های منفی موجود در جامعه نسبت به طلاق هم برای افراد درگیر در طلاق و خانواده‌های آن‌ها و هم برای اجتماع اشاره دارد که آسیب‌پذیری فرد در حیطه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی را به دنبال دارد (مکوندحسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۱).

مسائل روان‌شناختی زنان پس از طلاق: مسائل روان‌شناختی طلاق به احساسات، افکار، رفتار، هیجانات و به‌طورکلی حالات روان‌شناختی اشاره دارد که فرد و اطرافیان نزدیک وی پس از طلاق تجربه می‌کنند. به عنوان مثال، ابتلا به اختلالات روان‌شناختی متعدد (مانند افسردگی، اضطراب و غیره)، عزت‌نفس پایین، احساس تنهایی ذهنی و غیره (علیمیرادی، ۱۳۹۳، ص ۱۶).

روش تحقیق

طرح پژوهش حاضر، توصیفی مقطعی بود. در این روش، پس از مشخص شدن جامعه آماری و جمعیت نمونه با استفاده از تکنیک پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته می‌شود. جامعه آماری این مطالعه، شامل کلیه زنان مطلقه مراجعه‌کننده به دادگاه شعبه ۲ شهرستان خرم‌آباد و کلیه زنان تحت پوشش اداره بهزیستی این شهرستان در تابستان سال ۱۳۹۴ با تعداد ۱۱۷۰ نفر بودند. برای محاسبه حجم نمونه از نرم‌افزار جی پاور استفاده شد که با در نظر گرفتن توان ۸۰، حجم نمونه حداقل ۲۷۰ نفر محاسبه شد. سپس، به منظور افزایش توان آماری و مدیریت افت احتمالی شرکت‌کنندگان، نمونه‌ای به اندازه ۳۰۰ نفر به شیوه در دسترس از این جامعه آماری انتخاب شد. معیارهای انتخاب نمونه شامل رضایت و تمایل آگاهانه برای شرکت در مطالعه، تمایل به همکاری در تکمیل ابزارها، حداقل ۶ ماه از زمان طلاق فرد گذشته باشد. دامنه سنی بین ۱۸ تا ۴۵ سال، حداقل تحصیلات سیکل، عدم ابتلا به اختلالات شدید روان‌شناختی، عدم وجود مشکلات شناختی و عدم ابتلا به اختلال طبی که ممکن باشد در نتیجه مطالعه مداخله کنند، بود.

روش اجرای پژوهش این گونه بود که از بین کلیه زنان مطلقه مراجعه‌کننده به دادگاه شعبه ۲ شهرستان خرم‌آباد و کلیه زنان مطلقه تحت پوشش اداره بهزیستی این شهرستان در زمان اجرای پژوهش، افرادی که دارای ملاک‌های ورود و خروج بودند به صورت در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. به طوری که ابتدا درباره این مطالعه و پرسشنامه‌های پژوهش توضیحاتی به افراد ارائه می‌شد. سپس، در صورت موافقت به شرکت در پژوهش، به گردآوری اطلاعات اقدام می‌شد. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، ابتدا از طریق آگاه ساختن شرکت‌کنندگان در پژوهش از هدف تحقیق و تأثیر انجام چنین پژوهش‌هایی در شناسایی و بهبود وضعیت آن‌ها، اقدام به اخذ رضایت آگاهانه از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش شد. سپس، کلیه اطلاعات شرکت‌کنندگان در پژوهش توسط پژوهشگر جمع‌آوری شد و به آن‌ها اطمینان داده شد که این داده‌ها نزد پژوهشگر، محرمانه باقی می‌ماند. ابزار پژوهش حاضر شامل نمونه برگ جمعیت‌شناسی و پرسشنامه مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی زنان پس از طلاق بود که در ادامه توضیح داده می‌شود.

نمونه برگ جمعیت‌شناسی: پرسشنامه جمعیت‌شناسی که شامل سن، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی و وضعیت اقتصادی بود.

پرسشنامه مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی زنان پس از طلاق: این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) است و

شامل ۳ زیر مقیاس شامل مسائل اجتماعی- فرهنگی پیش روی زنان مطلقه (از سؤال ۱ تا ۱۲)، مهم ترین مسائل روان شناختی که با آن‌ها مواجه هستند و مسائل اقتصادی موجود برای زنان مطلقه (سؤالات ۱۳ تا ۱۸) است. ساخت این پرسشنامه بر اساس مقالات منتشرشده، کتاب‌ها و منابع نظری موجود در ایران در رابطه با مسائل متعدد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روان شناختی زنان مطلقه بود. به منظور بررسی اعتبار این ابزار، ابتدا از صاحب نظران رشته روان شناسی و حقوق درخواست شد که پس از مطالعه گویه‌های پرسشنامه به بررسی اعتبار محتوایی بپردازند. پس از کسب تأیید صاحب نظران، به منظور بررسی پایایی ابزار، این پرسشنامه روی یک نمونه ۳۰ نفری از زنان مطلقه انجام شده و پس از به دست آوردن پایایی مناسب، به عنوان ابزار پژوهش حاضر انتخاب شد. در پژوهش حاضر، پایایی کل پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ (۰/۹۰۴) و برای مؤلفه‌های مسائل اجتماعی- فرهنگی (۰/۷۵۸)، مسائل اقتصادی (۰/۸۷۱) و مسائل روان شناختی (۰/۸۰۸) به دست آمد. همچنین، برای بررسی روایی این پرسشنامه از تحلیل عاملی استفاده شد. نتیجه تحلیل عاملی با استفاده از روش چرخش واریماکس و بر اساس آزمون کای اسکوئر بیانگر وجود عوامل مورد بررسی بود. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی از جمله میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد فراوانی و از شاخص‌های آمار استنباطی مانند آزمون کای اسکوئر^۱ یا مجذور خی دو با نرم افزار SPSS-20 استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیت‌شناسی نمونه پژوهش حاضر در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی نمونه پژوهش

متغیر	گروه	تعداد	درصد فراوانی	میانگین و انحراف معیار
سن	۱۸ تا ۲۵ سال	۱۳۱	۴۳/۷	۲۹/۳۰ ± ۸/۵۶
	۲۶ تا ۳۰ سال	۳۶	۱۲	
	۳۱ تا ۳۵ سال	۶۸	۲۲/۷	
	۳۶ تا ۴۰ سال	۱۶	۵/۳	
	۴۱ تا ۴۵ سال	۴۹	۱۶/۳	

1. Chi-Square test

ادامه جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی نمونه پژوهش

	۱۷	۵۱	زیر دیپلم	میزان تحصیلات
	۳۷/۷	۱۱۳	دیپلم	
	۲۰/۳	۶۱	فوق دیپلم	
	۲۴	۷۲	لیسانس	
	۱	۳	فوق لیسانس	
	۰/۳	۱	کارمند رسمی	شغل
	۳/۷	۱۱	کارمند قراردادی	
	۱۰/۷	۳۲	کارمند ساعتی	
	۱۸/۷	۵۶	آزاد	
	۳۴/۳	۱۰۳	خانه‌دار	
	۳۲/۳	۹۷	بیکار	
	۵۸/۷	۱۷۶	ضعیف	وضعیت اقتصادی
	۳۵	۱۰۵	متوسط	
	۶/۳	۱۹	خوب	

همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، بیشترین فراوانی شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر مربوط به افراد در طبقه سنی بین ۱۸ تا ۲۵ سال با تعداد ۱۳۱ نفر (۴۳/۷ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افراد در طبقه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال با تعداد ۱۶ نفر (۵/۳ درصد) بود. همچنین، میانگین سن شرکت‌کنندگان در پژوهش ۲۹/۳۰ و انحراف معیار ۸/۵۶ بود. از نظر میزان تحصیلات، بیشترین فراوانی شرکت‌کنندگان پژوهش مربوط به افراد با میزان تحصیلات فوق‌لیسانس بود. از نظر وضعیت اشتغال، بیشترین فراوانی شرکت‌کنندگان ۱۰۳ نفر (۳۴/۳ درصد)، مربوط به افراد خانه‌دار و کمترین فراوانی ۱ نفر (۰/۳ درصد)، مربوط به کارمند رسمی بود. از نظر وضعیت اقتصادی، بیشترین فراوانی شرکت‌کنندگان ۱۷۶ نفر (۵۸/۷ درصد)، مربوط به افراد با وضعیت اقتصادی ضعیف و کمترین فراوانی ۱۹ نفر (۶/۳ درصد)، مربوط به افراد با وضعیت اقتصادی خوب بود.

جدول ۲. نتایج تحلیل آزمون مجذور خی دو مربوط به نظرات پاسخگویان در رابطه با

بعد مسائل اجتماعی- فرهنگی

P-value	مجذور خی ۲χ	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالقم	سوالات بعد مسائل اجتماعی- فرهنگی
./۰۰۱	۱۲۱/۹۳۳	۵۹ (۱۹/۷)	۱۱۹ (۳۹/۷)	۸۰ (۲۶/۷)	۳۵ (۱۱/۷)	۷ (۲/۳)	پس از طلاق احساس می‌کنم روابط اجتماعی‌ام کم‌تر و محدودتر شده است.
./۰۰۱	۶۳/۷۶۷	۳۱ (۱۰/۳)	۶۲ (۲۰/۷)	۳۲ (۱۰/۷)	۱۰۶ (۳۵/۳)	۶۹ (۲۳)	اعضای خانواده‌ام در انتخاب و نحوه برقراری روابط با دیگران و همچنین، رفت‌وآمدهایم دخالت می‌کنند.
./۰۰۱	۱۷۵/۷۶۷	۹۸ (۳۲/۷)	۱۳۰ (۴۳/۳)	۳۷ (۱۲/۳)	۲۳ (۷/۷)	۱۲ (۰/۴)	هیچ‌گونه تمایلی به ازدواج مجدد ندارم.
./۰۰۱	۹۲/۶۳۳	۲۴ (۰/۸)	۸۱ (۲۷)	۴۹ (۱۶/۳)	۱۱۴ (۳۸)	۳۲ (۱۰/۷)	عملکرد و کارکردهای سابقم (مانند شغلی، تحصیلی، امور روزمره و غیره) دچار اختلال و افت شدیدی شده است.
./۰۰۱	۸۲/۱۰۰	۳۳ (۱۱)	۱۰۸ (۳۶)	۲۹ (۹/۷)	۸۶ (۲۸/۷)	۴۴ (۱۴/۷)	به‌عنوان یک زن تنها گاهی دچار مزاحمت از سوی دیگران و جامعه می‌شوم.
./۰۰۱	۱۳۴/۷۰۰	۱۸ (۶)	۱۲۲ (۴۰/۷)	۴۱ (۱۳/۷)	۹۲ (۳۰/۷)	۲۷ (۹)	گاهی تمایل به مصرف مواد مخدر و داروهای آرام‌بخش دارم.
./۰۰۱	۱۴۹/۷۳۳	۲۶ (۸/۷)	۱۳۶ (۴۵/۳)	۲۰ (۶/۷)	۷۴ (۲۴/۷)	۴۴ (۱۴/۷)	احساس می‌کنم که اطرافیانم و افراد جامعه نسبت به وضعیت کنونی من نگرش منفی دارند.
./۰۰۱	۱۹۱/۸۳۳	۳۸ (۱۲/۷)	۱۴۴ (۴۸)	۱۲ (۰/۴)	۸۱ (۲۷)	۲۵ (۸/۳)	گاهی احساس می‌کنم در جامعه برچسب‌های منفی گوناگونی به من زده می‌شود.
./۰۰۱	۱۴۸/۰۰۰	۲۲ (۷/۳)	۴۹ (۱۶/۳)	۲۱ (۰/۷)	۱۳۵ (۴۵)	۷۳ (۲۴/۳)	از نظر خانواده با طلاق گرفتن، مرتکب عمل قبیحی شده‌ام.
./۰۰۱	۲۲۰/۴۶۷	۲۹ (۹/۷)	۱۵۲ (۵۰/۷)	۱۹ (۶/۳)	۸۱ (۲۷)	۱۹ (۶/۳)	احساس می‌کنم مردان تمایلی به ازدواج با زنان طلاق گرفته ندارند و از این امر استقبال نمی‌کنند.
./۰۰۱	۱۷۸/۷۶۷	۱۸ (۶)	۴۴ (۱۴/۷)	۶۱ (۲۰/۳)	۱۴۸ (۴۹/۳)	۲۹ (۹/۷)	دیدگاه منفی از سوی دیگران و افراد جامعه نسبت به طلاق احساس نمی‌کنم.
./۰۰۱	۸۷/۹۰۰	۱۳ (۴/۳)	۵۸ (۱۹/۳)	۵۴ (۱۸)	۱۱۵ (۳۸/۳)	۶۰ (۲۰)	خانواده‌ام زندگی مستقل من را پذیرفته‌اند و احساس مزاحمتی از سوی جامعه ندارم.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۲، آماره‌های مجذور خی محاسبه‌شده در سطح خطای $\alpha=۰/۰۱$ معنادار هستند ($P<۰/۰۱$) که نشان می‌دهد در مجموع بین نظر پاسخگویان برحسب طیف پاسخگویی کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصدهای مربوطه چنین استنباط می‌شود که در جامعه مورد مطالعه، اکثر پاسخگویان در رابطه با

سؤالات بُعد مسائل اجتماعی گزینه موافقم را انتخاب کرده‌اند. به این معنی که از نظر زنان، مسائل اجتماعی مطرح شده در پژوهش حاضر به میزان زیادی پس از طلاق وجود دارد. همچنین، برای سؤالات ۶ تا ۱۲ که بیشتر بر مسائل فرهنگی متمرکز هستند آماره‌های مجذور خی محاسبه شده در سطح خطای $\alpha=0/01$ معنادار می‌باشند ($P<0/01$) که نشان می‌دهد در مجموع، بین نظرات پاسخگویان بر حسب طیف پاسخگویی کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد‌های مربوطه چنین استنباط می‌شود که در جامعه مورد مطالعه، اکثر پاسخگویان در رابطه با سؤالات بُعد مسائل اجتماعی گزینه مخالفم را انتخاب کرده‌اند. به این معنی که از نظر زنان مسائل فرهنگی مطرح شده در پژوهش حاضر پس از طلاق چندان وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج تحلیل آزمون مجذور خی دو مربوط به نظرات پاسخگویان در رابطه با بعد مسائل اقتصادی

P-value	مجذور خی ۲χ	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	سؤالات بعد اقتصادی
0/001	۲۸۵/۱۶۷	۶۹ (۲۳)	۱۷۰ (۵۶/۷)	۱۳ (۴/۳)	۳۲ (۱۰/۷)	۱۶ (۵/۳)	از نظر مالی احساس فشار شدیدی می‌کنم.
0/001	۷۴/۰۰۰	۳۷ (۱۲/۳)	۱۱۱ (۳۷)	۲۵ (۸/۳)	۵۸ (۱۹/۳)	۶۹ (۲۳)	برای رفع مشکل مالی به مشاغل با حقوق بسیار پایین روی آورده‌ام.
0/001	۳۴۰/۶۳۳	۱ (۳)	۶ (۲)	۲۱ (۷)	۱۱۴ (۳۸)	۱۵۸ (۵۲/۷)	گاهی در اثر فشار شدید مالی به مشاغل غیرقانونی و غیراخلاقی روی آورده‌ام.
0/001	۱۴۸/۲۳۳	۳۰ (۱۰)	۱۳۵ (۴۵)	۵۶ (۱۸/۷)	۶۷ (۲۲/۳)	۱۲ (۴)	خانواده‌ام برای تأمین هزینه‌های زندگی‌ام به من کمک می‌کنند و از من حمایت می‌کنند.
0/001	۱۹۸/۶۶۷	۷ (۲/۳)	۳۳ (۱۱)	۳۵ (۱۱/۷)	۱۴۶ (۴۸/۷)	۷۹ (۲۶/۳)	از نظر مالی مستقل هستم و احساس فشار زیادی نمی‌کنم.
0/001	۱۲۱/۲۸۰	۰	۱۷ (۵/۷)	۵۹ (۱۹/۷)	۱۴۹ (۴۹/۷)	۷۵ (۲۵)	با دریافت مهریه‌ام از نظر مالی مشکلی احساس نمی‌کنم.
0/001	۳۵۲/۳۲۸	۱۴۴ (۸)	۴۷۲ (۲۶/۲)	۲۰۹ (۱۱/۶)	۵۶۶ (۳۱/۴)	۴۰۹ (۲۲/۷)	نمره کل بعد مسائل اقتصادی

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۳، آماره‌های مجذور خی محاسبه شده در سطح خطای $\alpha=0/01$ معنادار هستند ($P<0/01$) که نشان می‌دهد در مجموع، بین نظرات پاسخگویان بر حسب طیف پاسخگویی کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد‌های مربوطه، چنین استنباط می‌شود که در جامعه مور مطالعه، اکثر پاسخگویان در

رابطه با سؤالات بعد مسائل اقتصادی، گزینه مخالفم را انتخاب کرده‌اند؛ به این معنی که از نظر زنان مسائل اقتصادی مطرح شده در پژوهش حاضر پس از طلاق چندان وجود ندارد.

جدول ۴. نتایج تحلیل آزمون مجذور خی دو مربوط به نظرات پاسخگویان در رابطه با بعد مسائل روان‌شناختی

P-value	مجذور خی χ	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالقم	سؤالات بعد روان‌شناختی
۰/۰۰۱	۸۵/۸۶۷	۶۲ (۲۰/۷)	۱۲۱ (۴۰/۳)	۳۷ (۱۲/۳)	۴۷ (۱۵/۷)	۳۳ (۱۱)	گاهی احساس می‌کنم هیچ کنترلی روی حوادث اطرافم ندارم و هر لحظه هر اتفاقی ممکن است بیفتد که من توان رویارویی با آن را ندارم.
۰/۰۰۱	۳۸۷/۰۴۰	۶۵ (۲۱/۷)	۱۶۹ (۵۶/۳)	۳۶ (۱۲)	۲۱ (۷)	۹ (۳)	اکثر اوقات روز و اکثر روزهای هفته احساس نگرانی و دل‌شوره شدید دارم (مضطرب هستم).
۰/۰۰۱	۱۳۰/۷۳۳	۳۳ (۱۱)	۱۳۵ (۴۵)	۶۳ (۲۱)	۴۴ (۱۴/۷)	۲۵ (۸/۳)	در زندگی احساس شکست و سرخوردگی زیادی دارم و نسبت به آینده ناامیدم.
۰/۰۰۱	۲۲۱/۴۳۳	۶۰ (۲۰)	۱۵۸ (۵۲/۷)	۱۶ (۵/۳)	۴۵ (۱۵)	۲۱ (۷)	اکثر اوقات روز و اکثر روزهای هفته احساس غمگینی و ناراحتی شدیدی دارم.
۰/۰۰۱	۱۱۷/۸۳۳	۳۲ (۱۰/۷)	۱۳۰ (۴۳/۳)	۵۹ (۱۹/۷)	۵۶ (۱۸/۷)	۲۳ (۷/۷)	نسبت به دیگران حساس و زودرنج شده‌ام و رفتارهای پر خاشگروانه زیادی در روابطم دارم.
۰/۰۰۱	۲۶۷/۶۵۳	۴۹ (۱۶/۳)	۱۳۰ (۴۳/۳)	۴۴ (۱۴/۷)	۵۴ (۱۸)	۲۳ (۷/۷)	نسبت به مردان تفکرات نامطلوب زیادی دارم و به آن‌ها بدبین هستم.
۰/۰۰۱	۸۳۳/۶۵۹	۲۶۸ (۱۵/۲)	۸۴۳ (۴۷/۷)	۲۵۵ (۱۴/۴)	۲۶۷ (۱۵/۱)	۱۳۴ (۷/۶)	نمره کل بعد مسائل روان‌شناختی

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۴، آماره‌های مجذور خی محاسبه شده در سطح خطای $\alpha=۰/۰۱$ معنادار هستند ($P<۰/۰۱$) که نشان می‌دهد در مجموع، بین نظرات پاسخگویان بر حسب طیف پاسخگویی کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصدهای مربوطه چنین استنباط می‌شود که در جامعه مورد مطالعه، اکثر پاسخگویان در رابطه با سؤالات بعد مسائل روان‌شناختی، گزینه موافقم را انتخاب کرده‌اند؛ به این معنی که از نظر زنان، مسائل روان‌شناختی مطرح شده در پژوهش حاضر به میزان زیادی پس از طلاق وجود دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به هدف پژوهش حاضر، مبنی بر بررسی مسائل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی زنان پس از

طلاق، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در بعد مسائل اجتماعی- فرهنگی، اکثر زنان مطلقه احساس می‌کنند که روابط اجتماعی آن‌ها کم‌تر و محدود شده است. اعضای خانواده اکثر آن‌ها در انتخاب و نحوه برقراری روابط با دیگران و همچنین، رفت‌وآمدهایشان دخالت نمی‌کنند. در رابطه با تمایل به ازدواج مجدد، اکثر زنان مطلقه که حداقل ۶ ماه از طلاق آن‌ها گذشته بود، بیان کردند که تمایلی به ازدواج مجدد ندارند. علاوه بر این، اکثر این افراد بیان کردند که عملکرد و کارکردهای سابقشان (مانند شغلی، تحصیلی، امور روزمره و غیره) دچار اختلال و افت شدیدی نشده است. همچنین، اکثر زنان مطلقه در پژوهش حاضر بیان کردند که به‌عنوان یک زن تنها، گاهی دچار مزاحمت از سوی دیگران و جامعه شده‌اند و گاهی نیز تمایل به مصرف مواد مخدر و داروهای آرام‌بخش داشته‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعه زارعی و همکاران (۱۳۹۳)، ص ۳۱، حاجیان‌مقدم (۱۳۹۳، ص ۹)، مکوندحسینی (۱۳۹۲، ص ۸۳)، محبی (۱۳۹۱، ص ۹۶۳)، صدرالاشرفی و همکاران (۱۳۹۱، ص ۴۱)، مؤگانی (۱۳۹۰، ص ۱) و حفاریان و همکاران (۱۳۸۸، ص ۷۳) در پژوهش‌های مختلف همسو است. همچنین، از دید فرهنگی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که از نظر زنان مطلقه، اطرافیان و افراد جامعه نسبت به وضعیت کنونی آن‌ها نگرش منفی دارند و برچسب‌های منفی گوناگونی به آن‌ها زده می‌شود. همچنین، معتقد هستند مردان چندان تمایلی به ازدواج با زنان طلاق گرفته ندارند و از این امر استقبال نمی‌کنند. با این وجود، از نظر اکثر آن‌ها با طلاق گرفتن مرتکب عمل قبیحی نشده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعه زارعی و همکاران (۱۳۹۳، ص ۳۱)، مکوندحسینی (۱۳۹۲، ص ۹۰)، مؤگانی (۱۳۹۰، ص ۱)، و ساروخانی (۱۳۷۶؛ به نقل از علیمردادی، ۱۳۹۳، ص ۷۹)، در پژوهش‌های مختلف همسو است.

زارعی و همکاران (۱۳۹۳، ص ۳۰)، در تبیین یافته مشابه خود بیان می‌کنند که طلاق و مطلقگی موجب اختلال در عملکرد و احساس ناخودکارآمدی در زنان می‌شود. به این دلیل که غالباً زنان برای انجام امور خود به همسر خویش وابسته هستند. بنابراین، با طلاق این قضاوت در زن شکل می‌گیرد که برای انجام امور توانایی گذشته را ندارد. حفاریان، آقایی، کجباف و کامکار (۱۳۸۸) نیز در تبیین یافته‌های مشابه خود بیان می‌کنند که زنان به دلیل فشارهای اجتماعی، محدود شدن روابط و زندگی اجتماعی و احساس درماندگی ناشی از آن‌ها کیفیت زندگی پایینی دارند. مکوندحسینی (۱۳۹۲، ص ۸۳) نیز در پژوهش خود بیان می‌کند نگرش‌های منفی از مسائل عمده‌ای هستند که زنان با آن‌ها مواجه هستند. به طوری که این زنان مجبور هستند نگاه‌های سنگین دیگران را تحمل کنند و به زندگی خود ادامه دهند و با انواع تهدیدها و ناامنی‌ها مقابله کنند.

همچنین، زارعی و همکاران (۱۳۹۳، ص ۲۶)، در پژوهش خود بیان می‌کنند که مفهوم مطلقگی یک

صفت غیرقابل پذیرش در جامعه است. با این حال، ناپذیرا بودن این صفت «مطلقه» به میزان بسیار بالایی متأثر از عامل جنسیت است؛ به این معنا که یک زن مطلقه نسبت به مرد مطلقه ناپذیرا تر است و مفهوم «مطلقگی زنانه» در فرآیند پذیرش اجتماعی افراد و معتبر شدن آن‌ها یک مؤلفه مهم محسوب می‌شود. در واقع، عدم برخورداری از حمایت مالی، از دست دادن منبع تعلق خانوادگی و حمایت جنسی (شوهر) این افراد را به‌عنوان زنان بدون شریک جنسی بی‌اعتبار می‌سازد (بالکن، ۲۰۱۵، ص ۶۵۶؛ زارعی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۶). مکوندحسینی (۱۳۹۲، ص ۹۳) در پژوهش خود بیان می‌کند که بسیاری از زنان مطلقه از سوی فامیل و دوستان خود طرد می‌شوند، حتی بسیاری از دوستان و آشنایان که قبلاً با آنان ارتباط و معاشرت داشتند، به تدریج رابطه خود را با این زنان قطع می‌کنند؛ زیرا آن‌ها را تهدیدی برای زندگی می‌دانند. حتی بسیاری از این زنان از گرفتن و اجاره مکانی برای زندگی خود ناتوان هستند.

در حیطه مسائل اقتصادی یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که اکثر زنان مطلقه از نظر مالی احساس فشار شدیدی می‌کنند. بسیاری از آن‌ها برای رفع مشکل مالی به مشاغل با حقوق بسیار پایین روی آورده‌اند. برای تعدادی از آن‌ها، خانواده‌ها در تأمین هزینه‌های زندگی کمک می‌کنند و دریافت مهریه در کاهش فشار مالی تأثیر چندانی نداشته است. همچنین، بسیاری از آن‌ها بیان کرده‌اند که فشار شدید مالی باعث نشده است که به مشاغل غیرقانونی و غیراخلاقی روی بیاورند. یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعه زارعی و همکاران (۱۳۹۳، ص ۲۶)، مکوندحسینی (۱۳۹۲، ص ۷۸)، صدراالاشرفی و همکاران (۱۳۹۱، ص ۴۵)، مژگانی (۱۳۹۰، ص ۱)، عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹، ص ۲۷) و شکرکن و همکاران (۱۳۸۵، ص ۴) در پژوهش‌های مختلف همسو است.

زارعی و همکاران (۱۳۹۳، ص ۲۶) نیز در پژوهش خود بیان می‌کنند که اکثر زنان در زندگی قبل از طلاق خود شاغل نبودند یا استقلال مالی نداشتند. بنابراین، از دست دادن همسر به عنوان منبع حمایت مالی، این زنان را در جامعه بدون پشتوانه مالی و به عبارتی نامطمئن کرده و بدین ترتیب، تحت فشار قرار می‌دهد. همچنین، زنان مطلقه شانس کمتری برای مشارکت‌های شغلی و اجتماعی دارند؛ زیرا عامل تأهل در دستیابی به فرصت شغلی برابر نقش دارد. مکوندحسینی (۱۳۹۲، ص ۷۸) نیز در پژوهش خود بیان می‌کند که از عمده‌ترین مشکلات زنان مطلقه، مشکلات اقتصادی و ناآگاهی برای اداره امور اقتصادی است. این موضوع، نگرش‌های منفی اجتماعی و نگرانی در رابطه با آینده فرزندان را نیز به دنبال دارد. این در حالی است که بسیاری از زنان فاقد مهارت‌های لازم و از نظر تحصیلات، در سطح پایینی قرار دارند. بنابراین، از نظر مالی فشار بسیاری را تحمل می‌کنند.

در حیطه مسائل روان‌شناختی نیز یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که اکثر زنان مطلقه، حداقل گاهی احساس می‌کنند که هیچ کنترلی روی حوادث اطراف خود ندارند و هر لحظه ممکن است اتفاقی بیفتد که دور از توانایی مقابله آن‌ها باشد. بنابراین، اکثر آن‌ها بیشتر اوقات احساس نگرانی و دل‌شوره شدید داشته و مضطرب هستند. همچنین، بسیاری از آن‌ها در زندگی احساس شکست، سرخوردگی و ناامیدی نسبت به آینده دارند که زمینه احساس غمگینی و ناراحتی شدید را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، بسیاری از زنان مطلقه بیان کرده‌اند که نسبت به دیگران حساس و زودرنج شده‌اند و رفتارهای پرخاشگرانه زیادی در روابط خود دارند و نسبت به مردان، تفرکات نامطلوب زیادی داشته و به آن‌ها بدبین هستند. یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعه علیمرادی (۱۳۹۳، ص ۹۴)، مکوندحسینی (۱۳۹۲، ص ۷۳)، صدرالاشرفی و همکاران (۱۳۹۱، ص ۲۸)، حفاریان و همکاران (۱۳۸۸، ص ۷۲)، آقامحمدیان شهرباف و جمعه اسدآباد (۱۳۸۲، ص ۱۱۷)، آمتور (۲۰۱۰، ص ۶۵۷) و آمبرت (۲۰۰۹، ص ۸) در پژوهش‌های مختلف همسو است.

حفاریان و همکاران (۱۳۸۸، ص ۷۲) در پژوهش خود بیان می‌کنند که طلاق قانونی، حتی برای زنانی که خواهان جدایی بوده‌اند، لزوماً پایان‌بخش استرس‌های ناشی از ازدواج و دغدغه‌ها و مشکلات آن نیست، بلکه حوادث و فرآیندهای جدید به وجود خواهد آمد که عواطف، هیجان و رفتار زنان مطلقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علیمرادی (۱۳۹۳، ص ۲۳) نیز بیان می‌کند که از جمله مؤلفه‌های روان‌شناختی که در طلاق بسیار مشهود است، احساس تنهایی است. احساس تنهایی در طلاق به صورت یک احساس و حالت خلقی ناخوشایند یا تجربه مضر و سخت برای افراد است که به صورت محرومیت و درد بسیار شدید تجربه می‌شود. همین احساس تنهایی با مشکلات روانی-اجتماعی، نظیر عزت‌نفس و احساس شایستگی پایین و اختلالات روانی نظیر اضطراب همراه است که این مسئله علاوه بر ناتوانی در ایجاد یک زندگی مناسب، موجب به وجود آمدن احساس ناامیدی و پوچی می‌شود و حتی و اگر به بیشترین میزان برسد، موجب افسردگی می‌شود و با خطر خودکشی همراه است.

این مطالعه، واجد محدودیت‌هایی بوده است که در تعمیم نتایج توجه به آن‌ها مهم است. محدودیت‌های پژوهش حاضر، عبارت بودند از عدم امکان انتخاب تصادفی شرکت‌کنندگان و در نتیجه، به کارگیری روش نمونه‌گیری در دسترس، استفاده از طرح مطالعه مقطعی و عدم امکان استفاده از طرح مطالعه طولی و فقدان سنجش پیگیری‌های طولانی برای شناسایی روند تغییر مسائل متعدد زنان طلاق، استفاده از طرح

مطالعه توصیفی که نتایج حاصله، بیانگر روابط علت و معلولی نمی‌باشند و صرفاً به شناسایی و توصیف وضعیت موجود پرداخته می‌شود. همچنین، نمونه پژوهش حاضر منحصر به منطقه جغرافیایی خاص با تعداد محدود و به صورت در دسترس بود که شرایط یادشده، تعمیم نتایج را با احتیاط مواجهه می‌کند.

پیشنهادها

- بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی زیر ارائه می‌شود:
 - پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده، جدا از ابزارهای خود گزارشی، از مصاحبه و ابزارهای بالینی استفاده شود.
 - در پژوهش‌های بعدی از روش‌های کمی و کیفی و طرح‌های طولی و سنجش پیگیری‌های طولانی با روش‌های نمونه‌گیری اتفاقی استفاده شود.
 - مسائل مختلف اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی مردان پس از طلاق نیز بررسی شود.
 - با توجه به شیوع نسبتاً بالای مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی در بین زنان مطلقه، پیشنهاد می‌شود که حیطه‌ها و مسائلی که بیشترین دغدغه را برای این افراد ایجاد کرده است شناسایی و در جهت رفع آن‌ها و برقراری آرامش تلاش شود.
 - پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های مشابه در نمونه‌های سایر شهرها و در جامعه آماری گسترده‌تر انجام شود.
 - به منظور کاربست یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود که براساس نتایج چنین پژوهش‌هایی به طراحی کارآزمایی‌های بالینی مناسب و سودمند جهت کاهش مسائل مختلف اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روانی در بین زنان مطلقه که مسائل آن‌ها شدت یافته و منجر به مختل شدن زندگی آن‌ها شده، اقدام شود.
 - اهتمام جدی برای گسترش کمی و کیفی، ارائه خدمات مشاوره‌ای در تمام مراکز مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها و دادگستری‌های سطح کشور به زنان نیازمند مشاوره در حین و پس از طلاق صورت گیرد.
 - ارتقای سطح آگاهی، دانش و مهارت‌های زندگی در زنان مطلقه باهدف بهبود خودکارآمدی و سطح عملکرد آن‌ها برای سازگاری بهتر با مسائل مربوط به زندگی و آماده‌سازی برای شکل‌دهی به زندگی جدید.
 - برای حل تبعات روانی طلاق، نیروی انتظامی از طریق پلیس زن، معاونت اجتماعی ناجا، مشاوران

شاغل در مرکز مشاوره ناجا و همچنین، مشاورینی که در سایر سازمان‌های اجتماعی مانند بهزیستی و غیره هستند، اقدام به ارائه مشاوره‌های دوره‌ای به زنان طلاق کند.

- در خصوص مشکلات اجتماعی - فرهنگی زنان طلاق، نیروی انتظامی می‌تواند از طریق پلیس زن معاونت اجتماعی و همکاری با صداوسیما و رسانه‌های جمعی، با ساخت تیزرها، نشر مطالب و غیره در حل این امر و فرهنگ‌سازی بیشتر تلاش کند.

- نظر سیاست شهری - سیاست شهری سیاستی برای کاهش نابرابری و تنش‌های اجتماعی است که این سیاست راهی برای مبارزه بر ضد کارکردهای مختلف ناشی از زندگی شهری است - نقش فعالی در کمک به زنان و نیز مبارزه با ناامنی ایفاء می‌کنند. تأسیس و گسترش پلیس زن و استفاده از زنان متخصص در واحدهای پلیسی، ضمن افزایش احساس اعتماد به پلیس، باعث ایجاد فضای ایمن‌تر برای جلوگیری از آسیب بیشتر بزه دیدگان بالقوه از جمله زنان خواهد بود.

- کمک‌های قانونی و قضایی به زنان از طریق ایجاد یک نظام همبستگی به نفع آن‌ها که از طریق رجوع به کمیسیون‌های ترمیم خسارات اجراء می‌شود. این کمیسیون‌ها، چنانچه در مراحل اولیه خسارت و در نهادهای اولیه مداخله‌گر مانند پلیس انجام شود، دارای تأثیر بیشتر خواهد بود. ضمن اینکه از بزه‌دیدگی ثانویه نیز در ایشان جلوگیری خواهد کرد.

- سرویس‌های جایگزین مانند سرویس‌های کمک به زنان بزه‌دیده به‌منظور جبران کمبودها، مشکلات و معضلات آن‌ها که بخشی از آن مربوط به خود جامعه است، ایجاد شود. از آنجایی که از اولین نهادهای مداخله‌گر در ترمیم مدیریت و کاهش بحران در زنان آسیب‌دیده، پلیس است؛ امکان تشکیل یا حداقل همکاری سرویس‌های جایگزین در ادارات پلیس، باعث ارتقای کارآیی آن‌ها خواهد شد. به‌عنوان مثال، در خصوص مشکلات اقتصادی با توجه به اینکه طلاق از مسیر پلیس و مراجع قضایی می‌گذرد، می‌توان با معرفی این افراد به سازمان‌هایی مثل بهزیستی، کمیته امداد یا هر سازمان و ارگان دیگری بستر اشتغال‌زایی را میسر کرد.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله، نویسندگان از مساعدت‌های مسئولان محترم بهزیستی و دادگستری استان لرستان و همچنین، تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را دارند.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

- اخوان تفتی، مهناز (۱۳۸۲). پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن. مجله مطالعات زنان. ۱(۳)، صص ۱۱۸-۱۲۶.
- اعظم آزاده، منصوره و تافته، مریم (۱۳۹۴). روایت زنان سرپرست خانوار از موانع شادمانی (مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار تهران). مطالعات زن و خانواده. ۳(۲)، صص ۳۳-۶۰.
- آقا محمدیان شعرباف، حمیدرضا و جمعه اسدآباد، مریم (۱۳۸۲). مقایسه تفکرات غیرمنطقی در زنان مطلقه و غیر مطلقه در مشهد. فصلنامه پژوهشی فرهنگی فرهنگ خراسان. ۹(۱۰)، صص ۱۱۹-۱۱۴.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود و روشنی، شهره (۱۳۹۰). پیامدهای عاطفی طلاق و استراتژی مواجهه با آن. خانواده پژوهی. ۷(۲۶)، صص ۲۴۱-۲۵۷.
- حاجیان مقدم، فاطمه (۱۳۹۳). فرا تحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی. پژوهش نامه زنان. ۵(۱)، صص ۳۹-۱.
- حجتی، حمید؛ کوچکی، گلناز و ثناگو، اکرم (۱۳۹۱). ارتباط احساس تنهایی با رضایت از زندگی در سالمندان (شهرهای گرگان و گنبد). مجله توسعه پژوهش در پرستاری و مامایی. ۹(۱)، صص ۶۸-۶۱.
- حفریان، لیللا؛ آقایی، اصغر؛ کجباف، محمدباقر و کامکار، منوچهر (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت زندگی و ابعاد آن در زنان مطلقه و غیر مطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناسی در شهر شیراز. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. ۱۱(۴۱)، صص ۸۲-۶۱.
- درویزه، زهرا (۱۳۷۱). بررسی اثرات طلاق بر وضعیت جسمانی، عاطفی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی نوجوانان دختر دبیرستانی استان تهران. علوم انسانی دانشگاه الزهراء. ۹(۱۰)، صص ۶۸-۶۱.
- رنجبر، خیرالنسا (۱۳۹۰). طلاق، چالش‌ها و راهکارها. تهران: دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علیدردنیا، اکبر و بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق. پژوهش زنان. ۵(۳)، صص ۱۰۹-۱۴۰.
- زارع، حسین و مهمان‌نوازی، اشرف (۱۳۹۴). تأثیر آموزش دلگرم‌سازی بر ارتقای خودکارآمدی عمومی و تاب‌آوری زنان سرپرست خانوار. مطالعات زن و خانواده. ۳(۱)، صص ۵۷-۳۷.
- زارعی، فاطمه؛ صلحی، مهناز؛ تقدیسی، محمدحسین؛ کمالی، محمد؛ شجاعی‌زاده، داود و نجات، سحرناز (۱۳۹۳). درک تجارب پس از طلاق در زنان؛ یک پژوهش کیفی. مجله علوم پزشکی. ۲۱(۱۲۴)، صص ۳۶-۲۳.
- شکرکن، حسین؛ خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسفعلی؛ حقیقی، جمال و شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناسی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۳(۱)، صص ۳۰-۱.
- صدراالشرقی، مسعود؛ خنکدار طارسی، معصومه؛ شمخانی، اژدر و یوسفی، مجید (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل و راهکارهای پیشگیری از آن). مهندسی فرهنگی. ۷(۷۳)، صص ۵۳-۲۶.
- علیمردادی، سمانه (۱۳۹۳). اثربخشی گروه‌درمانی شناختی- رفتاری بر امیدواری و احساس تنهایی زنان مطلقه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی). دانشگاه سمنان.
- عنایت، حلیمه؛ دسترنج، معصومه و سلمانی، فائزه (۱۳۹۰). بررسی عوامل مرتبط با اختلافات خانوادگی. فصلنامه علمی-

- پژوهشی جامعه‌شناسی زنان. ۲ (۱)، صص ۲۰-۱.
- عیسی زاده، سعید؛ بلالی، اسماعیل و قدسی، علی محمد (۱۳۸۹). تحلیل اقتصادی طلاق؛ بررسی ارتباط بین طلاق و بیکاری در ایران طی دوره ۱۳۴۵-۱۳۸۵. مطالعات راهبردی زنان. ۱۳ (۱)، صص ۲۸-۷.
- قلی پور، آرین و رحیمیان، اشرف (۱۳۹۰). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. رفاه اجتماعی. ۱۱ (۴۰)، صص ۶۲-۴۹.
- کلانتری، عبدالحسین؛ روشن فکر، پیام و جواهری، جلوه (۱۳۹۰). آثار و پیامدهای طلاق مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۹۰ - ۱۳۷۶). زن در توسعه و سیاست. ۹ (۳)، صص ۱۳۱-۱۱۱.
- محبی، فاطمه (۱۳۹۱). تبیین جامعه‌شناختی طلاق، کتاب اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده (چاپ اول). تهران: انتشارات پیام عدالت.
- مژگانی، سید حسن (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی زنان، بررسی آثار پدیده طلاق بر خانواده و جامعه. منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی حق گستر.
- مکوند حسینی، شاهرخ (۱۳۹۲). بررسی داده‌های ثبت شده در سامانه‌های رایانه‌ای مرکز تلفنی ۱۴۸۰ و اورژانس اجتماعی ۱۲۳ و شیوع شناسی انواع آسیب‌های اجتماعی وارده و طبقه‌بندی و اولویت‌بندی آن‌ها در شهر سمنان. سمنان: طرح سازمان بهزیستی.

منابع انگلیسی

- Abedinia, N. Bolhari, J. Ramezanzadem F. and Naghizadeh, M.M. (2012). Comparison of predisposing and Effective Factors on Divorce Application between Men and Women. *Journal of Family and Reproductive Health*. 6(2): 65-72.
- Amato, P.R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of Marriage and Family*. 72 (3): 650-666.
- Ambert, A.M. (2009). *Divorce: Facts, Causes & Consequences*. 3Edition. Canada: Vanier institute of the family.
- Bac, M. (2016). The expectation effect of a fall in divorce costs. *International Review of Law and Economics*. 47: 41-47.
- Bolkan, A. (2015). The Effects of Life Skills Psycho-education Programme on Divorced Women's Level of Inner Directed Support and Analysis of this Effect Based on Types of Marriage and Various Demographic Features. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 205: 655-663.
- Bolkan, A & Kaya, A. (2016). The Effects of Life Skills Psychoeducation Program on Divorced Women's Self-actualization Levels. *Anthropologist*. 23 (3): 343-354.
- Konstam, V. Karwine, S. Curran, T. Lyons, M & Celen-Demirtas, S. (2016). Stigma and Divorce: A Relevant Lens for Emerging and Young Adult Women? *Journal of Divorce & Remarriage*. 57 (3): 173-194.
- Krietsch, K. (2012). Divorce-Related psychological Adjustment. moderates the Association between sleep and systolic blood pressure over 90 day in women: The University of Arizona. In press.
- Tamborini, C.R. Couch, K.A & Reznik, G.L. (2015). Long-term impact of divorce on women's earnings across multiple divorce windows: A life course perspective. *Advances in Life Course Research*. 26: 59-44.